

متن پرسش

ضمن سلام و احترام. عاجزانه تمنا دارم سوال بنده را در سایت پاسخ بفرمایید و بی پاسخ نگذارید. اولاً با عرض پوزش آیا جناب عالی این احتمال را می دهید که ممکن است در فتنه ی ۹۲ غربال شوید ؟ دوم آیا مطالبی که در اینترنت به عنوان نقد مطالب سیاسی شما نوشته می شود را مطالعه می فرمایید ؟ مثلاً همان مطلبی که درباره غیر قابل تفکیک بودن مدیریت سیاسی و مدیریت فرهنگی جامعه نوشته شد و کدهایی از تاریخ اهل البیت آورده شده بود یا سایر مطالب . سوم توصیه ی شما به ماها که حرف های سیاسی شما توی کتمان نمی رود چیست ؟ چهارم به نظر شما ریشه ی این که ما این بار بر خلاف همه ی موارد گذشته نتوانستیم مواضع سیاسی شما را پیشبینی و حتی تحلیل کنیم چیست ؟ به اذعان همه ی دوستان غیر قابل تحلیل شده اید. پنجم شما کدام دسته از کسانی که مباحث شما را کار می کنند راهشان را درست تر می دانید ، آن دسته که مواضع سیاسی شما را بی چون و چرا پذیرفته اند - به دلیل حکمت غیر قابل انکار شما - یا آن دسته که با اطلاعات دقیق و مبانی فکری ارائه شده توسط شما به نتیجه ای خلاف نتایج گرفته شده توسط شما رسیده اند و نمی توانند شما را تحلیل کنند ؟ پنجم به چه دلیل شما نیازی ندیده اید که حرف های دسته ی دوم در سوال قبلی را پاسخ بفرمایید برایشان ؟ آیا لطافت روحی شما و اعتقاد شما مبنی بر جدلی بودن این حرف ها ، پاسخ به این حرف ها را بر نمی تابد یا به نظرتان پاسخ آن ها را لابه لای حرف هایتان داده اید یا سکوت را بهتر می دانید یا چه ؟ ششم و آخرین سوال این که به نظر آیا درست است که بگوییم این وضعیتی که برای ما و دوستان پیش آمده یکی از مقاطع حساس تاریخ است که باید محصولش احساس عجز تاریخی باشد که با مبانی تفکری مشترک با شما به نتیجه ای غیر از شما می رسیم ؟ و به خود تلنگری بزنیم که اگر نتوانیم نورانیت امام معصوم را در درون بشناسیم ، در آینده ی تاریخ هیچ کسی نیست که بتوانیم از او کمک بگیریم و قطعاً غربال خواهیم شد ؟ استاد حقیر هیچ ترسی از انتخابات سال ۹۲ ندارم اما همه ی نگرانی ام از ۸ سال یا ۱۶ سال آینده است که در فتنه ی های بعدی چگونه عمل خواهم کرد و با چشمانی هراسان به آینده می نگرم. نگرانی بنده این است که چرا با مبانی ای که از شما اخذ کرده ام در نگاه سیاسی مقابل شما قرار گرفته ام ؟ باز امسال شرایط برای بنده مبهم نیست ولی فتنه های بعدی را چه کنم ؟ بالاخره حق چیست و باطل چیست ؟ چرا با مبانی یکسان نتایج مختلف گرفته ایم ؟ ما نور وجود شما را نداریم یا شما اطلاعات ما را ؟ قضیه چیست ؟ گناه از کیست ؟ چگونه بتوانیم از شما عبور کنیم ؟ چگونه دستمان را از دستان استادی که تا این جای راه ما را آورده است جدا کنیم ؟ مجدداً خواهش و تمنای عاجزانه دارم که سوالات فوق را پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: می‌دانم که جنابعالی با تمام وجود در زیارت جامعه‌ی کبیره در محضر امامان معصوم «علیهم‌السلام» اظهار می‌دارید: «بِأَبِي أَنْتُمْ وِ أُمِّي وِ نَفْسِي وِ أَهْلِي وِ مَالِي» و از این طریق اعلام می‌کنید تمام نسبت شما با پدر و مادر و جان خود و اهل و مال‌تان همه در ذیل نسبت شما با امامان معصوم «علیهم‌السلام» معنا می‌یابد و اصیل‌ترین معنای خود را در ذیل وجود مقدس امام معصوم که اسلام فعلیت یافته است جستجو می‌کنید و در این راستا در این زمان به حضرت امام خمینی «رضوان‌الله‌تعالی‌علیه» و انقلاب اسلامی و ولیّ فقیه زمان رجوع داشته‌اید. پس معلوم است که بنده و جنابعالی در این زمان هیچ معنایی برای خود نمی‌شناسیم مگر در راستای نسبتی که با این انقلاب الهی داریم و از پیر فرزانه‌ی خود یعنی حضرت روح‌الله «رضوان‌الله‌تعالی‌علیه» آموختیم که فرمودند: «چهارچوب دوستی من در درستی راه هر فرد نهفته است» و فرمودند: «من بارها اعلام کرده‌ام که با هیچ‌کس در هر مرتبه‌ای که باشد عقد اخوت نبسته‌ام» و تمام همت حضرت امام آن بود که خدش‌های بر اهداف مقدس این انقلاب الهی وارد نشود و از این جهت بود که می‌توان گفت حضرت امام هیچ نسبتی را اصیل نمی‌دانستند جز وفاداری به انقلاب اسلامی و اهداف انقلاب و وفاداری به نهادهایی که جزء لاینفک و لازمه‌ی ادامه‌ی انقلاب‌اند. نمی‌دانم چرا می‌گویید نتوانسته‌اید مواضع سیاسی بنده را پیش‌بینی کنید؟ مگر بنا نبود تمام نسبت‌های خود را با انقلاب اسلامی معنا کنیم؟ و مگر فصل‌الخطاب قراردادن نظر و مواضع رهبری عزیز جزء لاینفک انقلاب اسلامی نیست؟ حال با توجه به این امر باید در هر قدمی که برمی‌داریم نسبت آن قدم را با اهداف انقلاب و رهنمودهای رهبری عزیز ارزیابی نماییم. حال اگر در اشارات رهبری نسبت به آینده‌ی انقلاب و نظام‌سازی که باید شکل بگیرد نیاز به شرایطی داریم که کشور باید در درون با آرامش تمام و بدون حاشیه اداره شود و حضور آقای مشائی به عنوان رئیس‌جمهور چنین شرایطی را به‌بار نمی‌آورد و لذا حتماً باید از این حضور حمایت نکرد، این را شما از جانب بنده یک نظر غیر قابل پیش‌بینی می‌دانستید؟ مگر ما و شما با آقای احمدی‌نژاد عقد اخوت بسته‌ایم که هرکاری ایشان کردند، بپذیریم؟ مگر همیشه همه‌ی گله‌ی ما با اصول‌گرایان سیاسی آن نبود که چرا وقتی رهبری، دولت را تأیید می‌کنند، آن‌ها رهنمودهای رهبری را نادیده می‌گرفتند و از این طریق اصرار می‌کردیم ملاک ما در تأیید دولت سخنان رهبری است؟ حال چه شده است که گویا انتظار دارید بنده آقای احمدی‌نژاد را به خودی خودشان قبول کنم و ایشان را فصل‌الخطاب قرار دهم و چون ایشان فرموده‌اند: «احمدی‌نژاد یعنی مشائی و مشایی یعنی احمدی‌نژاد» ما هم آقای مشائی را درست بپذیریم؟ مگر قرار این بود؟ ما تا حال و از این به بعد دولت آقای احمدی‌نژاد را در راستای تأییدات رهبری عزیز می‌پذیریم زیرا می‌دانیم بصیرت و احاطه‌ی رهبری به موضوعات از ما بیشتر است و در همین رابطه معلوم است که نمی‌توانیم جایگاهی برای آقای مشائی قائل باشیم مگر آن‌که تصمیم گرفته باشیم در کنار معنایی که برای خود نسبت به انقلاب

اسلامی کرده‌ایم معنای جدیدی وارد کنیم و آن تعهد به همه‌ی حرکات و نظرات آقای احمدی‌نژاد است و فکر نمی‌کنم جنابعالی چنین معنایی برای خود کرده باشید که در بست حرکات و گفتار آقای احمدی‌نژاد را فصل‌الخطاب قرار دهید. آیا قبول ندارید آقای احمدی‌نژاد مرد کارهای بزرگ و اشتباهات بزرگ است و اگر در روز یک‌شنبه‌ی سیاه در ابتدای صحبت‌ها حرف‌های بزرگی زد، در انتها نیز اشتباه بزرگی انجام داد. بنده معتقدم آقای احمدی‌نژاد در کنار کارهای بزرگی که داشتند، طرح آقای مشائی به این شکل و این روش یکی از آن اشتباه‌های بزرگ ایشان است که همه‌ی ۸ سال کار ایشان را به هم زد، همان‌طور که در آن یکشنبه در آخر صحبت‌ها با طرح آن ویدئو همه‌ی حرف‌های ارزشمند ابتدای کار را از بین بردند. در آینده خواهید فهمید آقای احمدی‌نژاد در رابطه با طرح آقای مشائی به این شکل چه اشتباه بزرگی انجام دادند، گویا ایشان در موقعی که پای آقای مشائی در میان است آنچنان احساساتشان بر حکمت‌شان حاکم می‌شود که متوجه نیستند چه می‌کنند و از این جهت برای دوستانی که در این موضوع دقت کافی ندارند نگرانم و می‌ترسم یک نحوه جدایی بین آن‌ها و اصل انقلاب اسلامی ظهور کند. تقاضای بنده از جنابعالی و دوستانتان آن است که هیچ تعهدی جز تعهد نسبت به انقلاب و حضرت امام و رهبری بر دوش خود نگذارید و همه‌ی نسبت خود را در عصر حاضر با انقلاب و اهداف جهانی آن معنا کنید و با این دید به بعضی از حرکات و گفتار آقای احمدی‌نژاد بنگرید تا بین آن وجوه از حرکات ایشان که در ذیل نظرات رهبری موجب احیاء گفتمان انقلاب اسلامی شده و آن وجوه از حرکات ایشان که هیچ معنای منطقی ندارد، بتوانید تفکیک کنید. و اگر از این موضوع غفلت کنید باید دل‌واپس آینده‌ی خود باشید که از یک‌جایی زاویه‌ی شما با نظام اسلامی تحت علاقه‌مندی به آقای مشائی شروع می‌شود. زیرا همان رهبری که در مقاطع مختلف از دولت آقای احمدی‌نژاد پشتیبانی کردند از شورای نگهبان پشتیبانی نمودند، حال آقای احمدی‌نژاد در راستای طرح آقای مشائی و ریاست جمهوری ایشان و عدم تأیید آقای مشائی توسط شورای نگهبان، با شورای نگهبان مسئله پیدا کرده‌اند و نظر شورای نگهبان را نپذیرفته‌اند و می‌خواهند از طریق حکو ولایی رهبری مسئله را حل کنند، در حالی که اگر نسبت ما با آقای احمدی‌نژاد در رابطه با تأیید رهبری از دولت ایشان باشد، ما در رابطه با اعتراض ایشان به شورای نگهبان هیچ نسبتی با ایشان نداریم و از این کار ایشان سخت گله‌مند هستیم. ولی اگر آقای احمدی‌نژاد را به خودی خودشان بپذیرید مجبورید به دنبال ایشان شما هم نسبت به شورای نگهبان معترض شوید. در حالی که تا حال همیشه جریان‌هایی با شورای نگهبان مقابله می‌کردند که از جنس انقلاب نبودند و هم‌صدا با رادیو و تلویزیون‌های بیگانه، شورای نگهبان را مانع اهداف خود که عموماً متمایل کردن انقلاب به غرب بود، می‌دانستند، و این شروع زاویه‌ای است که آقای احمدی‌نژاد در ذیل ارادت و شیفتگی به آقای مشائی نسبت به یکی از اصیل‌ترین نهادهای انقلاب □ یعنی شورای نگهبان - پیدا کردند، شورای نگهبانی که در کلیت خود عین نظام اسلامی است. همچنان که روحانیت در کلیت خود عین اسلام است و حضرت امام فرمودند: «اسلام منهای روحانیت یعنی اسلام منهای اسلام». با این‌که می‌توان به بعضی از

روحانیون اشکال داشت ولی اگر نفی کلی روحانیت کردیم خواسته یا ناخواسته نفی اسلام نموده‌ایم. در مورد شورای نگهبان نیز اگر به بهانه‌ی نقد سخنان بعضی از اعضاء آن، نفی کلی کردیم و تصمیم نهایی آن جمع را نپذیرفتیم عملاً زاویه‌ی خود با نظام را شروع کرده‌ایم و دیگر انتظار نداشته باشید برکات معنوی که نصیب نیروهای ولایی در این انقلاب شده نصیب شما شود. چه شده است که وقتی آقای احمدی‌نژاد نظر به ریاست جمهوری آقای مشائی دارند، نظر خود را از نظر مجموعه‌ای از علمای و حقوق‌دانان برتر می‌دانند؟ آیا این آقای احمدی‌نژاد، همان آقای احمدی‌نژاد هستند که جدای از آقای مشائی رئیس جمهوری توانا و ارزشمندی بودند که رهبری عزیز تمام قد از ایشان دفاع کردند؟ و حالا به شورای نگهبانی اعتراض دارند که حضرت امام «رضوان‌الله‌تعالی‌علیه» به عنوان یک نهاد لاینفک از انقلاب اسلامی در موردش آن‌همه تأکید داشتند و عجیب آن است که این اعتراض توسط یک مقام رسمی کشور که در جایگاه ریاست جمهوری می‌باشند به شکل علنی صورت می‌گیرد!